

سرمقاله

ادامه از صفحه یک....
حضور نمایندگان در بیش از دو دوره پرداخت و نتیجه آن را چنین ارائه داد: «هوداران محدودیت دوران نمایندگی عقیده دارند که این محدودیت‌ها موجب می‌شود افراد جدید با خصوصیت‌های متفاوت وارد پارلمان شوند که این به نوبه خود موجب دیده شدن روح تازه در کالبد پارلمان و جریان یافتن خون جدید در شریان‌های مجلس می‌شود. تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده موید آن است مابین مجلسی که این قواعد درباره آن‌ها وضع نشده با مجلسی که مشمول این قواعد بوده‌اند، تفاوت زیادی از این حیث دیده نمی‌شود. برخی محققان عقیده دارند که این محدودیت موجب تضعیف نقش و جایگاه قوه مقننه می‌شود.»
در سال ۹۳ بار دیگر این طرح مطرح شد؛ چنان که تعدادی از نمایندگان در حال تهیه طرحی در مجلس بودند که بر اساس این طرح قرار بود هر فرد بیش از دو دوره متوالی مجوز حضور در مجلس شورای اسلامی را نداشته باشد که باز هم به نتیجه نرسید. اما این بار طرح به تصویب مجلس رسیده است. در این راستا برخی می‌گویند: آقای لاریجانی و برخی طراحان این طرح، اقدام به یک حرکت نمایشی تبلیغاتی کردند چون می‌دانند خلاف قانون اساسی است و شورای نگهبان آن را رد می‌کند. اما چرا آقای لاریجانی موافق این مصوبه مجلس بود؟ باید در نظر داشت که امروز هیچ مرجع مافوقی بالای سر مجلس نیست که اگر مجلس مبتلا به فراقیبری فساد سیاسی یا اقتصادی شد، بتواند آن را منحل اعلام کند؛ بنابراین آقای لاریجانی به عنوان رئیس مجلس بر آگاهی که رهبر معظم انقلاب تأکید داشتند که مجلس یک ساختار کنترل درونی برای نظارت بر رفتار نمایندگان طراحی کند؛ اما این مکانیزم خیلی به جایی نرسید چون درگیری هیئت رئیسه با نمایندگان منجر به این می‌شود که هیئت رئیسه نتواند آن را نمایندگانی را به دست آورد. طبیعتاً کنترل مجلس بسیار سخت می‌شود. به نظر آقای لاریجانی از این جهت که برخی نمایندگان را در اوقات خیلی درگیر می‌بیند، بسا این طرح موافقت کرد تا آن‌ها بروند و کسان دیگری بایبند تا کنترل‌شان با سهولت بیشتری ممکن باشد. نکته دیگر در این مصوبه، نظر موافقان و مخالفان آن بود. موافقان این مصوبه اعتقاد داشتند همچنان که به دلیل گردش نخیشان، فرد درباره ریاست جمهوری نمی‌تواند بیش از دو دوره کاندیدا شود، باید قانونی باشد که نمایندگان مجلس نیز پس از سه دوره متوالی نتوانند کاندیدا شوند. آنان می‌گویند: قانون عدم به کارگیری بازنشستگان که با هدف تجربه‌ساز، نخبه‌پروری و نیروسازی در مجلس تصویب و در جامعه استقبال شد، ما را به این نتیجه می‌رساند که برای مجلس هم همین اهداف در نظر گرفته شود. تجربه و تخصص در کار نمایندگی مجلس بسیار مهم است؛ ولی ما که برای میدان دادن به جوانان قانون منع به کارگیری بازنشستگان را تصویب کردیم، باید در قوه مقننه نیز چنین عزمی را جزم کنیم تا راه برای جوانان متخصص، شایسته و آگاه به علم روز باز شود.

مخالفان طرح معتقد هستند که باید یک هدف سیاسی پشت این موضوع پنهان باشد که بخواهند تعدادی از چهره‌های شاخص مجلس را که اقتضار مجلس هستند می‌توانست مجلس را خنوب مدیریت کنند

و جهت بدهند، از کاندیدا شدن محروم کنند. نمایندگی مجلس کار اجرایی نیست که بگویند نماینده پس از سه دوره، دیگر توانی برای کار اجرایی ندارد. نماینده، وزیر یا استاندار نیست که بعد از سه دوره توان کار اجرایی نداشته باشد؛ بلکه تجربه و اطلاعات لازم و اشراف لازم نسبت به مسائل در نمایندگی بسیار مؤثر است. آنان معتقد هستند نمایندگان هر چه بیشتر سابقه حضور در مجلس را داشته باشند، بهتر می‌توانند مسائل را درک و احساس کنند و برای موضوعات، راه حل پیدا کنند.

در این میان اظهارات جبهه پاداری نشان از نگرانی و نارضایتی آنان دارد؛ زیرا این جریان بارها از تربیون مجلس برای اعلام مواضع گروهی خود و البته هیاوه علیه خواست اکثریت مردم استفاده کردند که همه‌های پیایی به رئیس‌جمهور و اصلاح‌طلبان، نمونه‌ای از آن اقدامات است. رسانه‌های دلوایپسان هم تنها به انتشار خبری کوتاه در مورد مصوبه مجلس اقدام کردند که این هم نشان از نگرانی آن‌هاست.

تندورهایی که با جمهوریت مشکل دارند، خودشان را مهیای بازگشت به قدرت کرده‌اند

غلامرضا ظریفیان – تحلیل‌گر مسائل سیاسی:
تحت هیچ شرایطی نباید اجازه داد، آن‌هایی که با مردم‌سالاری مشکل دارند و از خارج کشور با تکیه بر موضوع‌هایی چون پول‌های کثیف، شبکه‌های عجیب و غریبی که رویای سلطنت را در سر می‌پروراندند و همچنین تندروهایی که در داخل کشور آشکارا با بحث جمهوریت و حتی با نگاه امام راحل مشکل داشتند و دنبال حکومت اسلامی به جای جمهوری اسلامی بودند، بیایند و جمهوری نظام را با دستاویز قرار دادن مشکلات، با آسیب مواجه سازند. چون بازگشت آنان به عرصه قدرت و تصمیم‌گیری، همه دستاوردهای نظام را هدر می‌دهد. به همین دلیل، مسئولیت اصلاح‌طلب‌ها و دولتی‌ها، مسئولیتی بسیار سنگین و دشوار است.

سرمقاله

راحیل رحمانی | گروه سیاست
rahilrahmani@gmail.com

FATF مهلت چهار ماهه‌ای به ایران داد تا حداقل تکلیف‌مان را با خودمان روشن کنیم؛ دومین موضوع مورد مناقشه جنجالی پس از «برجام» هم چنان با تکلیف روزگار می‌گذراند، در کشاکش درگیری موافقان و مخالفان، منظر تعیین تکلیف‌شدن نهایی است. هر دو طرف هم بر نظر خود پافشاری می‌کنند. مخالفان می‌گویند: پیوستن به FATF یعنی قبول خودتحریمی و مجوز دادن به آمریکابرای اعمال تحریم‌های بیشتر از طریق معاهده «پارمو» و محدود ساختن ایران در کمک به حزب‌الله، فلسطین و ... به‌تازگی که برخی مخالفان حتی پای‌مسائل موشکی را هم پیش کشیده و آن را به FATF گره زده‌اند!

«محمداق قالیباف» که از مخالفان FATF است، در این باره می‌گوید: ایمن لویاج با حق شرط‌های مطروحه قابل دنبال شدن هستند؛ اما آنچه آن‌ها را با مبانی و اساس انقلاب و نظام با مشکل و چالش‌های عظیم همراه می‌کند، FATF است. «احمد توکلی» از دیگر اعضای مجمع تشخیص که بیشتر بر ضرورت پیوستن به FATF سخن گفته بود، به‌تازگی تغییر رأی داده و در صفحه توئیتر خود نوشته‌است: «دربارۀ پذیرش FATF ابهام داشتیم، اما بیانیهِ وقیحانه اروپا و شرایط تحقیرآمیزش برای تجارت با ایران در اینستکس نشان داد در مقابل مستکبران، هرچه کوتاه‌باییم، طلب‌کارت و گستاخ‌تر می‌شوند و پایانی هم

ندارد. تجربه و منطق می‌گوید التماس از متکبر، معیشت را بر مردم تنگ‌تر خواهد کرد»

در حال حاضر سرنوشت لویاج خبرساز در دست مجمع است؛ مجمع نیز طی چند هفته گذشته نتوانست در این باره به نتیجه برسد و همه چیز را به پس از تعطیلات نوروزی ۹۸ موکول کرد. با این حال دو چهره بنام و تأثیرگذار این مجمع یعنی آیت‌الله «املی لاریجانی» (رئیس مجمع) و آیت‌الله «جتی» (دبیر شورای نگهبان و عضو مجمع) نظر مثبتی نسبت به FATF ندارند. آیت‌الله «صادق آملی لاریجانی» به‌تازگی در سخنرانی درباره اینستکس گفته‌است: «شرط‌آورایی اجرای سازوکار مالی، مبنی بر تصویب FATF تحقیرآمیز است.» آملی لاریجانی همچنین شروط ایران برای پیوستن به «پارمو» را مهیمنانسته‌بود

آیت‌الله جنتی نیز پیش از این در نقد FATF گفته بود: «می‌دانم این‌ها به چه جرتی این سندر ا محرمانه امضا کرده‌اند؛ این‌ها می‌خواهند به اسسم مبارزه با پول‌شویی، اطلاعات مالی و بانکی ما را به دشمن بدهند و به این شکل، خودتحریمی کنند. اگر این اتفاق بیفتد باید فاتحه خیلی چیزها را بخونیم»

بر خلاف ماه‌های قبل، در حال حاضر به نظر می‌رسد فضای کلی مجمع در رابطه با FATF منفی است. «حسین مظفر» از چهره‌های اصولگرایی مجمع تشخیص مصلحت‌به‌تازگی در گفت‌وگو با روزنامه «وطن امروز» گفته است: «فضای مجمع، نه به پارمو است»

روز گذشته نیز «محمدرضائیش» نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی گفت: طبق اخبار موجود رای مجمع تشخیص مصلحت نظام به پارمو نیست

منفی است. در چنین شرایطی و درحالی‌که FATF مهلت چهار ماهه به ایران داده، برخی‌ها مسئله «فرفراندوم» درباره این لویاج را مطرح کرده‌اند که با واکنش‌های مثبت و منفی مختلفی روبه‌رو شده‌است. «حشمت‌الله فلاح‌پیشه» رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس در این باره می‌گوید: برگزاری فراندوم برای لویاج مرتبط با FATF به از طرف مجلس شورای اسلامی و چه از طرف دولت موجب ایجاد فضای التهابی در کشور می‌شود؛ به‌خصوص در جامعه فعلی که به اندازه کافی به دلیل مسائل اقتصادی رنجیده‌خاطر است.

فلاح‌پیشه باصراحت عنوان می‌کند، با فراندوم مخالف است؛ گفته‌است: در مواردی که محلی برای تصمیم‌گیری وجود نداشته باشد، به مردم رجوع می‌شود تا نظر شان را

برای حفظ اعتبار و شأن وزارت امور خارجه در عرصه بین‌المللی استعفا دادم

محمدجواد ظریف – وزیر امور خارجه:
اِزار وزارت خارجه «اعتماد» است که موجب «اقتدار» آن می‌شود. در دنیا باید احساس شود که حرف وزارت امور خارجه، حرف کل کشور و حاکمیت است و این وزارت‌خانه، مسئول روابط خارجی کل کشور است نه اینکه هر دستگاهی در داخل یا خارج از دولت، سیاست خارجی خودش را دارد و مافقت مسئول سیاست خارجی وزارت خارجه هستیم. در آن صورت به وزارت خارجه نیازی نیست. هر دستگاهی می‌تواند اداره کل بین‌الملل خودش را داشته باشد. به همین دلیل مقام معظم رهبری بارها فرموده‌اند که وزارت خارجه نیمه‌ای از دولت است. استعفای بنده فقط برای حفظ شأن و اعتبار وزارت امور خارجه به عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی بود.

سیاست Policy

NasleFarda.net
naslefardanews
nasifarda

موافقان و مخالفان، از پیشنهاد همه‌پرسی برای لویاج جنجالی می‌گویند

FATF روی بورس؛ رفراندوم توی کورس



اعلام کنند. نمونه آن موضوع «برگزیت» در انگلیس است که برای خروج رفراندوم برگزار کردند؛ اما کنوانسیون‌های مرتبط با FATF محل قانون‌گذاری دارد و سیر آن از دولت، مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان گذشته و اکنون در مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

«صادق زیباکلام» فعال سیاسی اصلاح‌طلب نیز معتقدست: برگزاری رفراندوم برای FATF موضوعیت ندارد و در این باره یک نظرسنجی ساده کفایت می‌کند و می‌تواند نظر مردم را به گوش مسئولان برساند و به تعبیر وی، دلوایپسان را از ردصدا بالای موافقان FATF باخبر سازد.

البته یک دیدگاه دیگر درباره سرنوشت مبهم FATF هم این روزها مطرح می‌شود و آن هم اینکه شواهد نشان می‌دهد که می‌خواهند این لویاج را به تصویب برسانند؛ اما هر کسی می‌خواهد هزینه ندند که در صورت صحت این گمانه؛ «عباس عبدی» تحلیل‌گر اصلاح‌طلب، نظر جالبی دارد: «به نظر بهتر است دولت‌اصراری به تصویب لویاج نداشته باشد. بگذارید رد شود. چون اگر این لویاج را هم مثل برجام و بدون توجه به فلسفه آن‌ها و به صورت تاکتیکی بپذیرند، در این صورت هزینه‌های پذیرش را خواهند داد و از منافع محروم خواهند شد»

برجام که کم‌کم تبدیل به خاطر‌های خوش اما موقتی و زودگذر می‌شود، FATF اما در حال حاضر روی بورس و توی کورس با برجام برای تبدیل‌شدن به بزرگ‌ترین مناقشه دولتی است که امید به تدابیرش برای راهایی از بن‌بست‌ها داشتیم... داریم؟!

خارج از گود سیاست

خسته از «خاوری» ها «زنجانی» ها و «هدایتی» ها

آواصد:
«علی دایی» گفته‌است؛ با پول‌هایی که «حسین هدایتی» خورد و برد، می‌شد یک استان را از نوساخت، این را که گفت، یادسریل ذهاب افتادیم. بیش از یک‌سال از زلزله دلخراش و خانه خراب کن کرمانشاه گذشت؛ اما بسیاری از زلزله‌زده‌ها هنوز در چادر و کانکس زندگی می‌کنند. رسانه‌ها دیروز از قول متهم پرونده حسین هدایتی نوشتند که گفته‌است: هدایتی در بازداشتگاه به من می‌گفت: هزینه بازداشتن برای حاکمیت گران است؛ یک میلیون و ۲۰۰ هزار فالسور دارم و همان‌طور که کارگران لوله‌نورد اهواز را به خیابان آوردیم، این یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر را نیز به خیابان می‌آورم.

این‌ها را «سیدمهدی موسوی‌ژاد» در دومین جلسه محاکمه متهمان پرونده حسین هدایتی گفته‌است که تأکید می‌کند: هدایتی به‌راحتی دروغ می‌گوید ایجاد شبهه، تنها حربه دفاعی اوست. حالا پای خیلی‌ها به میان این پرونده آمده‌است؛ از چهره‌های سیاسی و اقتصادی بگیر تا ورزشی و حتی مداحانی که شنیده می‌شود رقم‌های سنگینی از هدایتی دریافت کرده‌اند. مسئولان پرونده می‌گویند: آن‌هایی که از هدایتی پول گرفته‌اند، باید بر گردانند؛ چون پول‌ها نامشروع است. تأکید کرده‌اند؛ اگر این پول‌ها را کابین همسران خود هم کرده باشند، بازمی‌گردانند. در لیستی که به‌تازگی منتشر شده، ارقام سرسام‌آوری از بدل و بخشش‌های هدایتی به چشم می‌خورد. یک قلم آن رقم یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومانی است که در زمان دلار ۴۲۰۰ تومانی به «مهدی طارمی» پرداخت شده‌است. هدایتی البته مسند فی‌الارض شناخته نشده و در دادگاه عنوان شد، قصد ضربه زدن به نظام اقتصادی را نداشته‌است. هدایتی که در جلسه اول دادگاهش گفته بود: «از هول حلیم افتادم توی دیگ»، به نظرمی‌رسد حتی پشیمان هم نمی‌آید. هرچند مثل «بابک زنجانی» (که اوایل در جلسات دادگاه لیخنند می‌زد) لیخنند نمی‌زند و تلاش تصنعی برای خونسرد نشان دادن خودش هم ندارد.

تثانی با مدیران بانک سرمایه‌برای اخذ وام و تسهیلات از این شرکت، دریافت حق دلای و رشوه، بخشی از اتهام‌های هدایتی است. هدایتی هم مثل «بابک زنجانی» عشق شهرت بود و البته حالا رسانه‌ها جرئت پیدا کرده‌اند از او خواهند پرسد آن هم درحالی‌که حدود یک دهه قبل، تصاویر روزنامه‌های رسمی شرکت‌های هدایتی منتشر سر گذشت وی که از شرکت‌های پیمانکاری و شرکت‌های «عشق شهرت» با پیوند با سیاست از طرقی توانسته بود صدها میلیارد تومان به قیمت دهه هشتاد (هزاران میلیارد تومان به قیمت امروز) را با رزه و بند به دست بیاورد، بیان شد و اینکه چگونه سر از گران‌ترین مناطق شهر و کشورهای حاشیه‌خلیج فارس درآورد، پرسشی است که پاسخ آن حداقل حالا دیگر برای مردم روشن است؛ مردمی که از دیدن «خاوری‌ها»، «زنجانی‌ها» و «هدایتی‌ها» خسته شده‌اند.

فضای مجازی

چهل سال بعد ...

مصدق زخم معده داشت و با رادیو تزیی معده دچار خونریزی شد. فوت دکتر مصدق به دلیل سرطان نبود؛ بلکه به خاطر خونریزی شدید معده و احتمالاً عوارض دیگر بود. اگر ایشان را راهی می‌کردند، شاید چند سالی بیشتر زنده می‌ماند. بیش از چهار دهه از فوت مصدق و چهل سال از فوت مرحوم طالقانی می‌گذرد. می‌گویند طالقانی در برخی موارد با مصدق اختلاف شدید داشت. دو نفری که بعدتر‌ها راهشان به‌طور کامل از یکدیگر جدا شد. مرحوم طالقانی با ملی، مذهبی‌ها رابطه خوبی داشت. با مصدق هم همین‌طور. اما به زندانی کردن مرحوم نواب توسط مصدق بارها اعتراض کرد. مصدقی‌ها روابط‌شان با نواب قطع کرده بودند؛ اما آیت‌الله طالقانی مشی فکری‌اش تا جایی که می‌شد، راه آمدن با آدم‌ها بود. گفته می‌شود مرحوم طالقانی به‌رغم اینکه به‌عنوان حامی دولت شناخته می‌شد، ولی هیچ‌گاه رابطه‌اش را با نواب قطع نکرد تا جایی که حتی برخی دوستان نواب در آخر به او پناه ندادند؛ ولی آقای طالقانی به نواب در منزل خود پناه داد. شاید یک روز برده از روی تمام حقایقی که طی این سال‌ها ناگفته مانده‌است، کنار برود. آن وقت راستی و درستی آدم‌ها و راهی که انتخاب کردند، مقابل چشمان ماقار می‌گیرد و تاریخ، قضاوت بهتری خواهد داشت. حتی درباره نوع، نحوه و چرایی مرگ بزرگانی چون طالقانی و مصدق.

رها عظیمی:
به‌تازگی در آیین افتتاحیه اکران‌های دانشگاهی، فیلم مستند داستانی «پدر طالقانی» که با حضور «مهدی طالقانی» و تهیه‌کننده فیلم در دانشگاه تهران برگزار شد، فرزند مرحوم طالقانی در پرسش و پاسخ بعد از اکران فیلم، در پاسخ به پرسشی درباره ابهام‌های نحوه فوت مرحوم طالقانی گفت: واقعیت این است که با گذشت این همه سال، هنوز هم به مرگ پدرم مشکوک هستم. فرزند مرحوم طالقانی در توضیح بیشتر درباره ادعایی که مطرح کرده بود، ادامه داد: ابهامات زیادی درباره روز فوت پدرم وجود دارد. مثلاً ما بعد از فوت برای روشن شدن ماجرا، تقاضای کالبدشکافی داشتیم؛ ولی اجازه ندادند و گفتند: مجتهد رانمی‌شود کالبدشکافی کرد. درحالی‌که قرآنی وجود دارد که شب فوت، توطئه‌هایی علیه مرحوم طالقانی صورت گرفته‌است. برای مثال، چند دقیقه قبل از اینکه حال پدرم وخیم‌شود، تمام ماشین‌ها و وسایل نقلیه‌ای که در منزل بود را مرخص می‌کنند و بعد از وخامت حال پدرم، حتی با کمیت‌ه تمام نگر فتند و به‌جای اینکه حداقل با بی‌سیم و وسایل ارتباطی، فوراً سراغ طبیب یا وسیله برای انتقال پدرم به بیمارستان بروند، با پای پیاده سراغ طبیب رفته بودند!

روز گذشته هم در سالروز فوت مرحوم دکتر «مصدق»، دکتر «مماعلیل یزدی» پزشک معالج مصدق، در گفت‌وگو با یکی از سایت‌های خبری گفت: دکتر



پوشش عجیب یک خانم در دادگاه حسین هدایتی

در حاشیه دومین جلسه رسیدگی به اتهام‌های «حسین هدایتی» و ۱۰ متهم اخلاخل در نظام اقتصادی کشور، یک خانم با پوشاندن چهره خود با ماسک و عینک در دادگاه حاضر شد!